



گفت‌و‌گو با نیما قلیزادگان کارگردان «اورسون ولز صحبت می‌کند»

اورسن ولز، یک شروع خوب برای عاشقان سینما

سارا کتغانی: اورسن ولز را همه با «همشهری کین» می‌شناسند، اما بسیاری معتقدند این نام برطمطراق سینمای جهان پشت اولین فیلم خودش بنهان مانده و ولز کارهای بزرگ دیگری هم دارد که زیر سایه شاهاکراش قرار گرفته است؛ نیما قلیزادگان یکی از همین افراد است و چند سال قبل تصمیم گرفت درباره این کارگردان و سبک زندگی او (و نه صرفا آثارش) فیلمی بسازد؛ فیلمی که در نگاه نخست چیزی بیشتر از یک تدوین ماه‌رانه از آرشو موجود نیست، اما با تماشای اثر چیزی نمی‌گذرد که می‌فهمیم با یک زندگی‌نامه مواجه شده‌ایم، با روایت روزگار پیرمرد بامزه‌ای که حتی تا دو ساعت قبل از مرگش هم جلوی دوربین بود. «اورسن ولز صحبت می‌کند» از اواخر شهریور در گروه هنر و تجربه اکران و امکان تماشای آن برای سینمادوستان فراهم شد.

❗ **از میان کارگردانان بزرگ سینمای جهان چرا اورسن ولز را انتخاب کردید؟**

هر کس می‌خواهد کارش را در سینما شروع کند باید ابتدا به سراغ بزرگان این هنر برود و یکی از پرسرودت‌ترین‌شان اورسن ولز است. من علاوه بر فیلم‌هایش، خودش را هم خیلی دوست داشتم و هنگامی که به واسطه این فیلم به او نزدیک‌تر شدم، متوجه شدم چقدر هنوز نمی‌شناسمش و چقدر فیلم از او وجود دارد که هنوز به‌درستی دیده نشده است. در ایران که فکر می‌کنم فقط ۱۰ درصد از آثارش شناخته شده باشد، او هم مثل خیلی از کارگردانان دیگر اغلب کارهایش پشت یکی، دو کار برجسته کم شده است. او علاوه بر تئاتر و سینما، در رادیو، ادبیات، سیاست و … هم فعالیت داشته است. امروز دست‌کم یکی، دو فیلم از ولز در فهرست آموختنی‌های دانش‌جویان سینما در تمام دانشگاه‌های معتبر دنیا قرار گرفته است.

❗ **پیداکردن منابع موجود در فیلم شامل عکس‌ها و فیلم‌ها چقدر طول کشید؟**

یک پروسه طولانی بود اما پیداکردن این فیلم‌ها و عکس‌ها در کشور

۳ پای ثابت سوگواری بوشهری‌ها

هندوستانی تبار بوده‌اند، ولی بوق‌های فعلی، مصنوعی و از جنس چوب یا فلزند. بوق‌های مساجد کهن بوشهر که دیرینگی قایل‌لحظه‌ای در برپایی مجالس عزّا به این سبک‌وسایاق دارند، مانند مسجد شنیدی‌ها، مسجد بهبهانی‌ها، جفهری‌ها و کوتی‌ها آذین‌بندی شده‌اند. تاجی از جنس نقره بر قسمت فوقانی بوق تعبیه شده است. گاهی گردن‌آویزی حکاکی‌شده هم از جنس نقره یا استیل بر آن حمایل می‌کنند. هواداران‌ش برای نواختن و به‌صداآوردنش سر و دست می‌شکنند و از کول هم بالا می‌روند. آنکه می‌نوازش، نفسی ممتد می‌خواهد. خواهان بی‌شمار دارد و مرد میدان به شماره، صدای کوبه‌ای و کششی‌اش عقل و هوش از سر هر شنونده و رهگذری می‌رباید و میخکوبش می‌کند. بعد از خودنمایی بوق، نوبت به سنج و دمام می‌رسد. آنها قدری فریادشان ملایم‌تر یا به قول بوشهری‌ها همبازتر است. سنج دوقلوینی است به‌هم‌نفسپیده زنگ‌وار و مدور و با جنسی از قماش یکی از فلزات. طلایی‌رنگ و به شکل و شباهت سینی یا سپر کوچک با دو دسته‌آرماده بر سر. کوبنده‌اش هنگام کوبیدن، یک سنج را در دست راستش می‌گیرد و سنج دیگر را در دست چپ. پایه‌های دمام پیش می‌آید. با هر ضربه گرز بر سر دمام، سنج هم باید به ناله درآید وگرنه هارمونی و نواخت موزون به هم می‌ریزد. کوبنده‌های دمام هم خودسر نمی‌کوبند. برخی یک‌ضرب می‌زنند و آنهایی که دلشان سخت‌تر است و اشکشان درنمی‌آید دوضرب. کوبنده دمام را در گردن خود حمایل می‌کند و با هر نواختن گرز بر سر آن پایش را هم بر زمین می‌کوبد. او با چوبی از جنس شاخه‌های درخت خرما روی آن می‌نوازد. این چوب با اندازه‌ای حدود ۴۰ سانتی‌متر باید هنگام نوازندگی در دست راست نوازنده باشد و بر آن طرف از دمام نواخته شود که بدون علامت در دست چپ نوازنده سنج در دست دیگر خود که مسلح به چوب نیست بر آن سوی دمام (که نشان‌دار است) می‌نوازد. طرف نشان‌دار را که طرف دستی یا شمالی نیز می‌گویند، دارای صدایی زیرتر است. گاهی چوب‌ها یا مضراب‌هایی غیر از جنس نخل نیز برای بر سرزدن دمام‌ها به مدد نوازندگان می‌آید. گاهی با هر سه‌بار کوفتن سنج که کوچک‌تر است، یک‌بار بر دمام می‌کوبند و گاه هر دو را یک نواخت یکسان می‌کوبند. طبل‌ها نیز برای عرض ارادت گاهی

هنر و سینما

❗ **چرا همایون اسعدیان راوی فیلم شماس‌ت؟ شاید اگر نریشن را یک بازیگر مطرح می‌خواند این موضوع به فروش بیشتر فیلم کمک می‌کرد.**

ما می‌خواستیم قبل از تدوین راوی را انتخاب کنیم و ابتدا همه پیشنهادهای مشاوران از میان بازیگران بود و حتی بازیگر خانم هم پیشنهاد شد، اما راضی‌ام نکرد. به دوبلورهای خود ولز هم فکر کردیم، آن زمان هر‌تسوک به نام «خرس‌های گریزلی». در این فیلم راوی خود او بود که لهجه آلمانی دارد و این یک اتفاق نامتعارف است اما حاصل کار بد نشده بود و اتفاقا این مستند خیلی هم موفق شد. هر‌تسوک با این کار یک سواد هنری را پشت فیلمش گذاشته و به آن اعتبار داده بود. ولز تا سنین بالا مشغول کار بوده و من می‌خواستم یک کارگردان باسابقه را برای روایت فیلم انتخاب کنم و انتخاب اولم همایون اسعدیان بود؛ به چند دلیل. در صدای او سواد وجود دارد. او در این سینما مو سفید کرده و بهتر از خود من که سازنده فیلم هستم، می‌توانست روح اثر را در آن جاری کند. صدای او صدایی پرمطراق و دیالوگ‌گوست، ریتم صحبت‌کردنش هم تند است. ما در تدوین براساس گویش ایشان جلو رفتیم.

❗ **چرا اولین قدم را در کارگردانی با سینمای مستند برداشتید؟ شاید اگر فیلم اول شما یک فیلم داستانی بود، به معرفی بیشتر شما به عنوان یک چهره جدید می‌انجامید.**

خیلی از کارگردانان بزرگ ابتدا غیر از فیلم کوتاه، مستند را تجربه کرده‌اند و این از نگاه من یک افتخار است. اتفاقا خوب است هر کارگردان قصه‌گویی بکی، دو مستند پرتره بسازد تا بفهمد چطور می‌شود زندگی یک آدم را روایت کرد. نسخه اصلی فیلم من پنج فیلم است. یک قسمت درباره بازیگری، یک قسمت درباره کارگردانی، یک قسمت درباره ایده‌هایش، یک قسمت درباره داستان‌گویی، یک قسمت درباره مستند و تلویزیون. در حقیقت من پنج مستند ساختم. مستندسازی درآمدی برای کسی ندارد و هر کس به سراغ آن می‌رود از سر عشق است. در کشور خودمان تقوایی و سینمایی افرادی از این دست بودند. از سینماگران جهان نیز بزرگانی مثل اسکورسیزی و … دست‌کم یک مستند را کار کرده‌اند. در ایران هم گنجینه خوبی از حاتمی‌کیا و پرویز کیمیای باقی مانده است. همه این افرادی که امروز در سینمای داستانی برجسته‌اند، در سینمای مستند کسب تجربه کرده‌اند. حتی کوبریک از عکاسی مستند به سینما رسید. در تمام مدارس فیلم‌نامه‌نویسی در جهان یکی از تکالیف ساخت فیلم صامت است که من انجام داده‌ام و صرفا با تصویر خالص حرفم را زده‌ام. همچنین نوشتن نمایش‌نامه رادیویی هم یکی از تمرین‌هاست، همین‌طور مستندسازی و دراماتیک‌کردن آن.

❗ **صد دقیقه زمان مناسبی برای یک فیلم مستند است؟**

صد دقیقه را برای مستند زیاد می‌دانند اما من متوجه چرایی‌اش نمی‌شوم به‌ویژه وقتی پای ولز در میان باشد. من فکر می‌کنم بستگی به فیلم دارد. اگر ضربه‌نگ کند باشد، بله صد دقیقه زیاد است اما اگر نکات جذاب و غیرقابل حدسی برای شما داشته باشد، چطور؟ به‌هرحال مستند یعنی با سند حرف‌زدن و نشان‌دادن منابع و مدارک به مخاطب زمان می‌برد. کسی که می‌خواهد ولز را بهتر بشناسد و دیدگاه دیگران را درباره او بداند صد دقیقه برایش زیاد نیست. تازه فکر می‌کنم ما هنوز حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.

❗ **روایت فیلم شما در چه قالبی قرار می‌گیرد؟**

روایت ما صرفا مستند نیست. روایت مستند روند کند و منوئتی دارد و ما این‌طور کار نکردیم. من فیلم‌نامه‌نویسی بldم و تصمیم گرفتم مستندم پرتره و یک معرفی صرف نباشد. می‌خواستم یک درام سینمایی با نقاط اوج و فرود باشد. ولز اتفاقا در مصاحبه‌ای که در فیلم کم گنجانده شده عنوان می‌کند که من هیچ‌وقت دوست ندارم یک مستند صرف برابم ساخته شود و دوست دارم بالا و پایین‌های مختلفی که در این مسیر پشت سر گذاشته‌ام، نشان داده شود. من این مصاحبه را در ابتدای فیلم گذاشتم تا مخاطب بداند این سبک از کار سلیقه خود او بوده، کمااینکه ولز ذهن شلوغی داشته و همواره پر از ایده و فکر بوده است. آن پرانگدگی‌ای که در شخصیت ولز بوده در فیلم هم وجود دارد. این آدم فیلمش را در میانه ساخت رها می‌کرده و به سراغ بازی می‌فته و دوباره برمی‌گشته و کار را از سر می‌گرفته است. فیلم، شما را با کاراکتر ولز آشنا می‌کند؛ با نوع شوخی‌ها و سبک زندگی‌اش و نه صرفا کارنامه‌ای که به یادگار گذاشته است.

❗ **و در پایان بگویید آیا فیلم بعدی شما هم مستند است؟**

نه یک کار داستانی است و درواقع اولین اثر من در سینمای داستانی. فیلم‌نامه حاضر است و به‌زودی کلید می‌زنیم.

گوناگون

بیتا فرهی ورونمایی از پوستر دریل



گروه هنر؛ پوستر نمایش «دریل»، به نویسندگی داریوش علیزاده و کارگردانی سعید دشتی، با حضور بیتا فرهی رونمایی شد. حضور بیتا فرهی، بازیگر کرده‌ها به حضور بیتا فرهی، بازیگر توانمند و پیش‌کسوت سینما و تلویزیون، رونمایی شد.

در این نمایش که به تهیه‌کنندگی مهدی سلسله روی صحنه می‌رود، صحرا اسداللهی، رایکا ابراهیمی، نادر فلاح، داریوش علیزاده، پریچهر قنبری، نیما شعبان‌نژاد و پوریا شکیبایی به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین سیدشهاب حسینی نیز به‌عنوان مشاور پروژه در این نمایش حضور خواهد داشت.

دریسل، به نویسندگی داریوش علیزاده و به کارگردانی سعید دشتی و تهیه‌کنندگی مهدی سلسله، از ۱۳ مهر، ساعت ۲۱ در سالن شماره دو تماشاخانه پالیز روی صحنه رفت و بلیت‌فروشی روزهای جدید در سامانه تیوال آغاز شده است.

طلاب قم وتولید ۴ فیلم مستند وکوتاه

گروه هنر؛ طلاب فیلم‌ساز گروه رسانه‌ای تبلیغی راز رسانه، وابسته به اداره تبلیغ رسانه‌ای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، امسال موفق به تولید چهار فیلم کوتاه شدند. عمران چراغی و مهدی کشتکار، از طلاب سطح سه حوزه علمیه قم و از دانش‌آموختگان دانشکده صداوسیما، کارگردانی این آثار را بر عهده داشتند.

فیلم داستانی روز جوراب با موضوع روز پدر که به پاس تجلیل از ایشار و فداکاری پدران جانباز تولید شده، با بازی مریم صدرپور، غزل سرحوبه و مسعود رحمانی به حمایت سازمان رسانه‌ای اوج، به مرحله تدوین رسیده است.

فیلم کوتاه داستانی پوست چینی یکی دیگر از آثار تولیدی این گروه رسانه‌ای است. این فیلم به مضرات لوازم آرایشی و بهداشتی چینی می‌پردازد که به دلیل قاچاق‌بودن این کالاها و نبود کنترل‌های لازم در مبادی ورودی، موجب بیماری‌های پوستی می‌شوند.

این فیلم با حمایت سازمان اوج و سازمان بسیج رسانه و بسیج سازندگی سپاه امام علی ابن‌ابی‌طالب قم، با بازی ناصر شایسته، مریم صدرپور و زینب باقری ساخته شده است.

فیلم کوتاه حقوق نجومی هم بر اساس طرحی از عمران چراغی و با کارگردانی مهدی کشتکار با بازی زهره زمانی، فاطمه موسایی و سیامک عبدالله در مرحله تدوین است. این گروه رسانه‌ای در مستندی به نام خورنگ به موضوع تحلیل جنگ رسانه‌ای گروه تروریستی داعش پرداخته که به سفارش سازمان رسانه‌ای اوج و با مشارکت سازمان بسیج رسانه به کارگردانی عمران چراغی و تهیه‌کنندگی اصغر بختیاری تولید شده است.



عمق میدان

نسبیت تجسمی در گفت‌و‌گو با علی فرامرزی چهار بُعدی کردن خلاقیت

علی فرامرزی سال‌هاست در زمینه مسائل تجسمی ایران می‌نویسد. نوشتن در کنار نقاشی دغدغه اصلی اوست؛ هرچند کلاس‌های طراحی‌اش هم مخاطبان خود را دارد. چندی پیش در یادداشتی موضوعی را تحت عنوان تفاوت حجم و سه‌بعدی در ریاضی و تجسمی مطرح کرد که سؤالاتی را پدید آورد. بر آن شدیم به اختصار گفت‌و‌گویی دراین‌باره با او بکنیم.

❗ **شما در مطلبی در روزنامه «شرق» گفته‌اید بعد دوم و سوم نسیی است. می‌توانید این مسئله را بیشتر توضیح دهید؟**
اولا ممنونم که بالاخره کسی به این حرف مطرح‌شده حساسیت نشان داد، من گفتم‌ام دوبعدی و سه‌بعدی در ریاضی با هنر متفاوت است. در هنر، این پدیده‌ها عاملی انسانی و معرفتی در تولیدشان نقش دارند؛ ولی در هندسه و ریاضی به خودی خود و قائم‌به‌ذات هستند.

❗ **درست، ولی این عامل انسانی چه چیزی را تغییر می‌دهد؟**
در تجسمی دوبعدی ریاضی تبدیل به سه‌بعدی و سه‌بعدی ریاضی به چهاربعدی تبدیل می‌شود.

❗ **ممکن است این نظریه را با تعریف هنری بیان کرد؟**
بله، در هنر ناظر، بخشی یا بعدی از ابعاد اثر است.

❗ **ولی این فقط در تعریف هنر معاصر آن هم در بعضی ژانرهای هنری مثل کانسیپچوال آرت صدق می‌کند...**

نه، در همه دوره‌های هنری و در همه ژانرهای هنری ناظر فعال تاثیرگذار و تعیین‌کننده است.

❗ **چطور؟**

اولین و تاثیرگذارترین ناظر، خود هنرمند و خالق اثر است. هنرمند از راه نظارت لحظه‌به‌لحظه، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری دائم و در تمام مدت خلق اثر، حضوری تعیین‌کننده و منحصربه‌فرد در پروسه به وجودآوردن اثر هنری دارد.

❗ **یعنی هنرمند هم ناظر است، هم خالق و هم...**
و هم خود اثر است.

❗ **چرا خود اثر؟**

آنچه بر جای می‌ماند، به عنوان اثر هنری تنها ردپایی است از یک پروسه فعال و پویا که بین هنرمند و آنچه مقابل اوست، اتفاق می‌افتد. این مجموعه یک فعالیت و واکنش هنری است که ردی از آن بر جای می‌ماند. آنچه بر جای می‌ماند، تنها جای پایی است که نشان می‌دهد چه اتفاقی افتاده و چه مسیری طی شده.

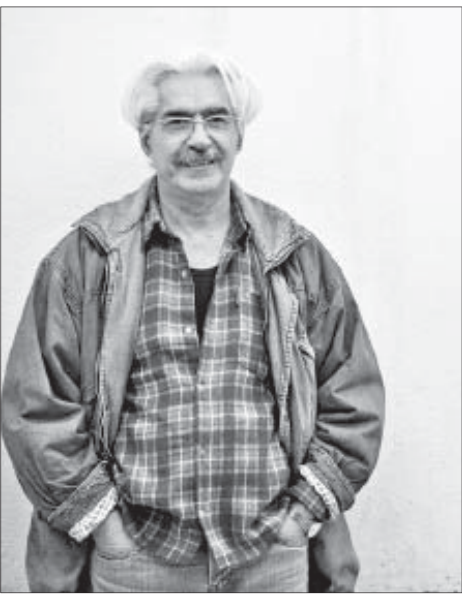
❗ **یعنی از دیدگاه شما، هنرمند هم خالق اثر است، هم ناظر و هم خود اثر؟**

بله، البته اگر کانسپت ایجادشده را هنر بدانیم.

❗ **این حرف جدیدی است؟**

نمی‌دانم، گمان نمی‌کنم.

❗ **اجازه بدهید برگردیم به تعریف یا تفاوت‌های دوبعدی و سه‌بعدی در ریاضی و تجسمی.** اگر هم بپذیریم ناظر هم بخشی از اثر هنری است، باز چرا دوبعدی به سه‌بعدی تبدیل می‌شود؟ دوبعدی یعنی سطحی که فقط طول و عرض دارد؛ حال اگر به



آن عمق هم اضافه شود تبدیل به حجم سه‌بعدی می‌شود که در تجسمی چون ناظر هم بخشی از اثر است که در مقابل آن قرار دارد، پس صفحه دوبعدی تبدیل به سه‌بعدی می‌شود.

❗ **در بعد سوم زمان وجود ندارد، ولی در بعد چهارم این گونه نیست و حرکت یا زمان عامل تعیین‌کننده‌ای است. پس چگونه حجم تبدیل به بعد چهارم می‌شود؟**

از چند طریق! اول، به لحاظ فلسفی بنابر نظریه حرکت جوهری صدراتی همه ذرات عالم حرکت را در ذات خود دارند و خودبه‌خود جهان هستی عینی، در بعد چهارم سیر می‌کند. دوم، زمین دمام در حرکت به دور خود و خورشید است و درنتیجه در بعد چهارم است. سوم، حرکت ذهنی‌ای که پروسه خلق اثر را شکل می‌دهد، خود یک حرکت وضعی در ابعاد ذهنی و انسانی است و لحظه‌های شکل‌گیری خلاقیت را به لحاظ معرفتی چهاربعدی می‌کند:

کمتر از ذره نهای / پست مشو عشق بورز/ تا به خلوت‌گه خورشید

رسی جرخ زنان

چهارم، ناظر- که قبلا گفتیم- بخش تعیین‌کننده اثر هنری است؛ مدام باید برای دیدن همه ابعاد حجم به دور آن بگردد و حرکت کند یا حجم باید‌ه‌شدن به دور خود بچرخد و درنتیجه حرکت و زمان وارد پروسه خلق اثر هنری می‌شود و تازه همه اینها به غیر از ناظر ذهنی است.

❗ **می‌شود قدری درباره ناظر ذهنی توضیح دهید؟**

این یک بحث مفصل است که اگر اجازه بدهید در فرصتی دیگر به آن بپردازیم.

❗ **به عنوان آخرین سؤال، این مباحث چه تاثیر عینی‌ای در کار هنری دارد؟**

اولا در اکثر موارد تحولات فرهنگی ابتدا از تفکرات محض شروع شده است و بعد ابعاد عینی پیدا کرده، ثانیاً، به گمان من فرهنگ و هنر در سرزمین فارسی‌زبانان درحال یافتن جایگاه و موقعیتی ویژه است که جا دارد به لحاظ اندیشگی هم ابعاد خود را عمق بخشد. ثالثاً آنچه گفته شد، به گمان من امری هستی‌شناسانه است که به‌هرحال باید در شرایطی مطرح می‌شد.